



# کلیات علم اقتصاد

دکتر سیدهادی عربی

سیداحراق علوی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۲

عربی، سیدهادی، ۱۳۳۹ - .

کلیات علم اقتصاد / سیدهادی عربی و سیداسحاق علوی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲

چهارده، ۳۶ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۵۰: اقتصاد؛ ۲۳)

ISBN: 978-600-298-022-9

بها: ۹۴۰۰ ریال

فهرستنويسي براساس اطلاعات فبيا.

كتابنامه: ص. [۳۴۵] - [۳۴۹]؛ همچنين به صورت زيرنويس.

نمایه.

۱. اقتصاد. الف. علوی، سیداسحاق، ۱۳۴۳ - ، نويسنده. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.

۳۳۰

HB ۱۸۰ / ۱۳۹۲

شماره کتابشناسی ملی

۳۳۲۰۵۵۸



### کلیات علم اقتصاد

نويسنده: دکتر سیدهادی عربی، سیداسحاق علوی

ويراستار: حيدر فروزان

صفحة آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۲

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

ليتوگرافی: سعيدي

چاپ: قم - جعفری

قيمت: ۹۴۰۰ تoman

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پرديسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۰۰۰۱۱۱۱۰۰ - ۰۰۰۰۱۱۱۱۳۰۰ (انتشارات: ۰۰۰۰۱۱۱۱۳۰۰) نماير: ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ اقبال، بين وصال و قدس، نيش كوي اسکو، تلفن: ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ - ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارامد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یکسو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، اگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به « مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار دهای کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب که جهت آشنایی علاقه‌مندان به مباحث اقتصادی تدوین شده، در فصول مختلف به شاخه‌های متعدد علم اقتصاد پرداخته و سعی نموده است تا خواننده را با مفاهیم و اصول اولیه علم اقتصاد آشنا کند. از یک طرف محدودیت صفحات و از طرف دیگر لزوم پوشش مطالب مهم و اساسی اقتصادی، نگارنده را وادر نموده است تا مطالب خویش را به گونه‌ای ارائه نماید تا با حداقل عبارات معنا و مفهوم را به خواننده منتقل نماید. افزون بر این موارد، سعی شده است تا در کنار توضیح و تشریح مطالب، نمایی کلی از وضعیت اقتصادی کشور ایران نیز ارائه شود؛ بنابراین در بخش‌های مختلف، آمارهای اقتصادی ایران نیز حسب موضوع ارائه شده است. همچنین با توجه به فرهنگ اسلامی ایران تلاش شده است تا در هر موضوع به مباحث اقتصادی اسلامی نیز اشاره گردد.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلفان محترم حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدهادی عربی و سید اسحاق علوی و همچنین ارزیاب محترم طرح جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر سعید فراهانی فرد که با مطالعه این متن و ارائه نقطه‌نظرات اصلاحی و تکمیلی ما را یاری دادند، تشکر و قدردانی نماید.

## فهرست مطالب

### بخش اول: آشنایی با علم اقتصاد / ۱

۳	فصل اول: علم اقتصاد و پیدایش آن
۳	علم اقتصاد چیست؟
۵	تعریف علم اقتصاد
۶	هدف و اهمیت علم اقتصاد
۷	قلمرو علم اقتصاد
۸	شاخصه‌های اصلی علم اقتصاد
۱۰	مروری بر پیدایش علم اقتصاد
۱۱	پیشینه اندیشه‌ها و تحلیل‌های اقتصادی
۱۱	ظهور اسلام
۱۳	ظهور مکاتب اقتصادی پس از رنسانس
۱۳	(الف) مکتب مرکانتیلیسم
۱۴	(ب) مکتب فیزیوکراسی
۱۵	(ج) مکتب کلاسیک
۱۷	(د) مکتب مارکسیسم
۱۹	(ه) مکتب نئوکلاسیک
۲۱	(و) مکتب کیزی
۲۳	۰ خلاصه فصل اول
۲۴	۰ پرسش‌های فصل اول
۲۵	۰ ضمیمه فصل اول: ظهور اقتصاد به عنوان علم تجربی - اجتماعی
۲۷	فصل دوم: اقتصاد: ماهیت و روش
۲۸	مراحل شناخت در علوم تجربی
۲۹	اقتصاد اثباتی و اقتصاد هنجاری
۳۰	برخی تفاوت‌های علوم تجربی - طبیعی و علوم تجربی - اجتماعی

۳۱	روش تحقیق در علم اقتصاد
۳۶	عدم امکان برقراری شرایط کنترل شده
۳۷	الگو (مدل)‌ها در اقتصاد
۳۷	منحنی امکانات تولید
۴۰	هزینه فرصت
۴۱	○ خلاصه فصل دوم
۴۲	○ پرسش‌های فصل دوم
۴۳	<b>فصل سوم: سازمان اقتصادی و پرسش‌های اساسی</b>
۴۶	نظام‌های اقتصادی
۴۷	(الف) نظام بازار آزاد
۴۸	الگوی مالکیت
۴۸	نظام انگلیزی
۴۸	سازوکار تخصیص
۴۹	سازوکار تولید
۴۹	سازوکار ثبت
۴۹	سازوکار توزیع
۴۹	نقش دولت
۵۰	ارزیابی اقتصاد بازار آزاد / مزایا و معایب
۵۲	(ب) نظام برنامه‌ای متمرکز
۵۳	نقش دولت در تخصیص، تولید و توزیع
۵۳	سازوکار ثبت
۵۳	ارزیابی اقتصاد برنامه‌ای کاملاً متمرکز / مزایا و معایب
۵۴	معایب اقتصادی برنامه‌ای کاملاً متمرکز
۵۵	(ج) نظام مختلط
۵۶	(د) نظام اقتصادی اسلام
۵۶	ارزیابی نظام اقتصادی اسلامی
۵۸	بازار
۶۱	○ خلاصه فصل سوم
۶۳	○ پرسش‌های فصل سوم

## بخش دوم: اقتصاد خرد / ۶۵

۶۷	فصل چهارم: تحلیل بازار؛ تقاضا، عرضه و تعادل
۶۷	مقدمه
۶۸	مفهوم تقاضا در علم اقتصاد

۶۸	نظریه تقاضا
۶۸	عوامل مؤثر بر تقاضا
۶۹	(الف) قیمت
۶۹	(ب) درآمد
۷۰	(ج) قیمت کالای جانشین و در دسترس بودن آن
۷۰	(د) قیمت کالای مکمل
۷۱	(ه) سلیقه
۷۱	(و) سایر عوامل
۷۲	جدول تقاضا
۷۳	منحنی تقاضا
۷۴	اثر جانشینی
۷۴	اثر درآمدی
۷۵	تقاضای بازار
۷۷	تغییر سایر عوامل مؤثر بر تقاضا
۷۹	عرضه و عوامل مؤثر بر آن
۷۹	نظریه عرضه
۷۹	عوامل مؤثر بر مقدار عرضه
۷۹	(الف) قیمت
۸۰	(ب) قیمت نهاده‌های تولید
۸۰	(ج) پیشرفت تکنولوژی
۸۱	(د) قیمت کالاهای مرتبط
۸۱	(ه) مقدار تقاضا و انتظارات در مورد آن
۸۲	(و) سیاست‌های دولت
۸۲	جدول عرضه
۸۳	منحنی عرضه
۸۴	عرضه بازار
۸۶	تغییر سایر عوامل مؤثر
۸۷	تعادل عرضه و تقاضا
۹۱	تغییرات تقاضا، عرضه و نقطه تعادل
۹۴	○ خلاصه فصل چهارم
۹۵	○ پرسش‌های فصل چهارم
۹۷	<b>فصل پنجم: کشش‌ها؛ مفاهیم و کاربرد</b>
۹۸	کشش قیمتی تقاضا
۹۸	(الف) ضروری یا تجملی بودن کالا
۹۹	(ب) در دسترس بودن جانشین‌های نزدیک

۹۹	ج) افق زمانی
۱۰۰	محاسبه کشش قیمتی تقاضا
۱۰۲	رابطه کشش قیمتی با منحنی تقاضا
۱۰۵	سایر کشش‌های تقاضا
۱۰۶	(الف) کشش درآمدی تقاضا
۱۰۹	(ب) کشش متقاطع تقاضا
۱۱۰	کشش قیمتی عرضه
۱۱۳	عوامل مؤثر بر کشش قیمتی عرضه
۱۱۳	(الف) انعطاف‌پذیر بودن عرضه
۱۱۴	(ب) افق زمانی
۱۱۴	کاربردهای کشش
۱۱۵	○ خلاصه فصل پنجم
۱۱۶	○ پرسش‌های فصل پنجم
۱۱۸	فصل ششم؛ نظریه رفتار مصرف‌کننده
۱۱۸	مطلوبیت چیست؟
۱۱۹	مطلوبیت کل و مطلوبیت نهایی
۱۱۹	قانون مطلوبیت نهایی نزولی
۱۲۱	منحنی‌های مطلوبیت کل و مطلوبیت نهایی
۱۲۱	منحنی مطلوبیت نهایی
۱۲۲	مطلوبیت نهایی و تعادل مصرف‌کننده
۱۲۴	مازاد مصرف‌کننده
۱۲۴	محاسبه مازاد مصرف‌کننده
۱۲۵	محاسبه نموداری اضافه رفاه مصرف‌کننده
۱۲۶	مبانی و منطق رفتار مصرف‌کننده مسلمان
۱۲۸	○ خلاصه فصل ششم
۱۲۹	○ سوالات فصل ششم
۱۳۰	فصل هفتم؛ هزینه‌های تولید
۱۳۰	هزینه آشکار و پنهان
۱۳۲	رابطه تولید و هزینه
۱۳۲	تابع تولید
۱۳۳	تولید کل (TP)
۱۳۳	تولید نهایی (MP)
۱۳۴	تولید متوسط (AP)
۱۳۴	قانون بازدهی نزولی
۱۳۵	تابع تولید و منحنی هزینه کل

۱۳۷	تحلیل هزینه‌ها و انواع آن
۱۳۷	هزینه‌های تولید در کوتاه‌مدت
۱۳۷	۱. هزینه ثابت کل (TFC)
۱۳۸	۲. هزینه متغیر کل (TVC)
۱۳۸	۳. هزینه کل (TC)
۱۴۰	۴. هزینه نهایی (MC)
۱۴۱	۵. هزینه متوسط
۱۴۴	هزینه‌های تولید در بلندمدت
۱۴۵	صرفه‌ها و عدم صرفه‌های ناشی از مقیاس
۱۴۶	○ خلاصه فصل هفتم
۱۴۷	○ پرسش‌های فصل هفتم
۱۴۹	<b>فصل هشتم: نظریه رفتار تولیدکننده و بازار رقابتی</b>
۱۵۰	بازار رقابت کامل
۱۵۲	رفتار تولیدکننده در بازار رقابت کامل در کوتاه‌مدت
۱۵۳	(الف) روش درآمد کل - هزینه کل
۱۵۵	(ب) روش هزینه نهایی - درآمد نهایی
۱۵۷	بنگاه رقابتی و حداقل‌سازی هزینه در کوتاه‌مدت
۱۵۸	بنگاه رقابتی و نقطه تعطیلی
۱۶۱	تعادل و عرضه بلندمدت بنگاه رقابتی
۱۶۳	منحنی عرضه کوتاه‌مدت و بلندمدت بازار
۱۶۳	منحنی عرضه کوتاه‌مدت بازار
۱۶۳	منحنی عرضه بلندمدت بازار رقابتی
۱۶۵	○ خلاصه فصل هشتم
۱۶۵	○ پرسش‌های فصل هشتم
۱۶۷	<b>فصل نهم: نظریه رفتار تولیدکننده و بازارهای غیر رقابتی</b>
۱۶۷	نظریه رفتار تولیدکننده و بازارهای غیر رقابتی
۱۶۷	انحصار کامل
۱۶۷	ریشه‌ها و سرمنشأهای انحصار
۱۷۰	تولید و قیمت‌گذاری در انحصار کامل
۱۷۰	رفتار انحصارگر و بهینه‌یابی تولید در بازار انحصار کامل
۱۷۵	مقایسه بنگاه رقابتی و انحصاری
۱۷۵	بازارهای بینابین
۱۷۶	رقابت انحصاری
۱۷۷	رفتار بنگاه فعل در بازار رقابت انحصاری
۱۷۸	تعادل بلندمدت

۱۸۰	انحصار چندجانبه
۱۸۲	نگاهی به رفتار تولیدکننده مسلمان
۱۸۴	○ خلاصه فصل نهم
۱۸۵	○ پرسش‌های فصل نهم

### بخش سوم: اقتصاد کلان / ۱۸۷

۱۸۹	فصل دهم: حساب‌های ملی و چند شاخص مهم اقتصاد کلان
۱۹۰	حساب‌های ملی
۱۹۰	تاریخچه حساب‌های ملی
۱۹۱	اهداف و کاربرد نظام حساب‌های ملی
۱۹۱	تولید ناخالص داخلی
۱۹۲	تعريف تولید ناخالص داخلی (GDP)
۱۹۴	روش اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی (GDP)
۱۹۶	محاسبه تولید ناخالص داخلی از روش جریان تولید
۱۹۶	محاسبه تولید ناخالص داخلی از روش ارزش افزوده
۱۹۹	برخی آمارهای نشانگر توان تولیدی و قدرت درآمدی یک اقتصاد
۱۹۹	(الف) تولید ناخالص ملی (GNP)
۲۰۰	(ب) تولید خالص ملی (NNP)
۲۰۰	(ج) درآمد ملی (NI)
۲۰۰	(د) درآمد شخصی (PI)
۲۰۰	(و) درآمد شخصی قابل تصرف (DI)
۲۰۰	محاسبه تولید ناخالص داخلی از روش مخارج
۲۰۱	(الف) مصرف خصوصی (C)
۲۰۱	(ب) مخارج دولتی (G)
۲۰۳	(ج) تشکیل سرمایه خالص (سرمایه‌گذاری) (I)
۲۰۳	(د) خالص صادرات (X-M)
۲۰۳	تولید ناخالص داخلی اسمی و واقعی
۲۰۸	برخی محدودیت‌های تولید ناخالص داخلی
۲۱۰	○ خلاصه فصل دهم
۲۱۱	○ پرسش‌های فصل دهم
۲۱۲	○ ضمیمه فصل دهم: شاخص‌های قیمت
۲۱۲	(الف) شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI)
۲۱۶	(ب) شاخص قیمت (بهای) عمدۀ فروشی کالاها (WPI)
۲۱۶	(ج) شاخص قیمت تولیدکننده (PPI)
۲۲۰	(د) شاخص ضمنی یا تعديل‌کننده (GNP)

۲۲۱	فصل یازدهم: مصرف و سرمایه‌گذاری کل
۲۲۵	مصرف
۲۲۵	رابطه میان مصرف، درآمد و پس‌انداز
۲۲۸	عوامل مؤثر بر مصرف
۲۲۸	(الف) درآمد قابل تصرف
۲۲۹	(ب) ثروت
۲۲۹	سرمایه‌گذاری
۲۳۱	عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری
۲۳۱	(الف) درآمد ملی
۲۳۲	(ب) هزینه فرصت سرمایه
۲۳۴	منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری
۲۳۵	عوامل مؤثر بر جایه‌جایی منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری
۲۳۶	○ خلاصه فصل یازدهم
۲۳۷	○ پرسش‌های فصل یازدهم
۲۳۸	فصل دوازدهم: پول و بانک
۲۳۸	پول
۲۳۹	تعريف پول و کارکردهای آن
۲۳۹	(الف) واسطه مبادله
۲۳۹	(ب) واحد شمارش
۲۳۹	(ج) ذخیره ارزش
۲۴۰	مراحل تاریخی پول
۲۴۰	(الف) پول کالایی
۲۴۱	(ب) پول اعتباری
۲۴۱	(ج) سایر اشکال پول
۲۴۲	اندازه‌گیری پول
۲۴۲	(الف) پول معاملاتی ( $M_1$ )
۲۴۲	(ب) شبه‌پول یا پول دارایی ( $M_2$ )
۲۴۳	(ج) نقدینگی ( $M_3$ )
۲۴۶	بانک و پیدایش آن
۲۴۷	سازوکار خلق پول در نظام بانکی
۲۵۱	بانک و بانکداری در ایران
۲۵۳	بانک مرکزی
۲۵۴	نظام بانکی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران
۲۵۵	تفاوت‌های اساسی بانکداری ربوی و غیر ربوی

۲۵۷	○ خلاصه فصل دوازدهم
۲۵۹	○ پرسش‌های فصل دوازدهم
۲۵۹	○ خمیمه فصل دوازدهم؛ قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در ایران
۲۵۹	فصل اول: اهداف و وظایف بانکی در جمهوری اسلامی ایران
۲۶۱	فصل دوم: تجهیز منابع پولی
۲۶۱	فصل سوم: تسهیلات اعطایی بانکی
۲۶۳	فصل چهارم: بانک مرکزی ایران و سیاست پولی
۲۶۴	فصل پنجم: متفرقه
۲۶۶	<b>فصل سیزدهم: تورم و بیکاری</b>
۲۶۷	مفهوم تورم
۲۶۸	اندازه‌گیری تورم
۲۶۹	پیامدهای اقتصادی تورم
۲۷۰	علل تورم
۲۷۰	(الف) فشار تقاضا
۲۷۱	(ب) فشار هزینه
۲۷۲	(ج) تورم پولی
۲۷۴	نرخ مناسب تورم
۲۷۵	تصویری از تورم در اقتصاد ایران
۲۷۶	بیکاری
۲۷۷	تعریف کار و بیکاری
۲۷۷	جمعیت فعل اقتصادی
۲۷۸	شاغل پارهوقت
۲۷۹	نرخ بیکاری
۲۷۹	انواع بیکاری
۲۷۹	(الف) بیکاری اصطکاکی یا برخوردی
۲۸۰	(ب) بیکاری ساختاری
۲۸۰	(ج) بیکاری ادواری
۲۸۱	(د) بیکاری فصلی
۲۸۱	(ه) بیکاری پنهان
۲۸۲	اشتغال کامل و نرخ بیکاری طبیعی
۲۸۳	نظریه‌های بیکاری
۲۸۴	نیروی کار، اشتغال و بیکاری در ایران
۲۸۹	○ خلاصه فصل سیزدهم
۲۹۱	○ پرسش‌های فصل سیزدهم

۲۹۳	<b>فصل چهاردهم: سیاست‌های اقتصادی</b>
۲۹۴	سیاست‌های مالی
۲۹۶	سازوکار اثرگذاری سیاست مالی
۲۹۷	(الف) اثر ضریب فزاینده
۲۹۹	(ب) اثر جایگزینی یا بروونرانی
۳۰۰	تغییر در مالیات
۳۰۱	سیاست‌های پولی
۳۰۱	سازوکار اثرگذاری سیاست پولی
۳۰۲	نظریه رجحان نقدینگی
۳۰۴	تعادل در بازار پول
۳۰۵	تغییر در عرضه پول
۳۰۶	ابزارهای سیاست پولی
۳۰۶	(الف) نسبت سپرده قانونی
۳۰۷	(ب) کنترل نرخ‌های سود بانکی
۳۰۷	(ج) نرخ تنزیل مجدد
۳۰۸	(د) عملیات بازار باز
۳۰۹	(ه) تعیین سقف اعتبارات
۳۰۹	(و) نرخ‌های ترجیحی و شرایط متفاوت
۳۱۰	سیاست‌های پولی و مالی
۳۱۰	○ خلاصه فصل چهاردهم
۳۱۱	○ پرسش‌های فصل چهاردهم
۳۱۳	<b>فصل پانزدهم: اقتصاد بین‌الملل</b>
۳۱۴	تجارت بین‌الملل
۳۱۵	نظریه‌های تجارت بین‌الملل
۳۱۵	(الف) نظریه‌های مزیت مطلق و نسبی
۳۱۶	(ب) نظریه هکشر - اوهلین
۳۱۷	(ج) نظریه لیندر
۳۱۸	(د) نظریه فاصله تکنولوژی
۳۱۸	سیاست‌های بازرگانی خارجی
۳۱۹	(الف) تعریف گمرکی
۳۱۹	آثار تعرفه
۳۲۰	(ب) سهمیه‌بندی واردات
۳۲۰	مقایسه سهمیه‌بندی واردات با تعرفه
۳۲۲	(ج) محدودیت‌های داوطلبانه صادرات
۳۲۳	(د) محدودیت‌های کنترل کیفی

۳۲۳	ه) یارانه صادرات
۳۲۳	و) پیوندهای اقتصادی
۳۲۵	مالیه بینالملل
۳۲۷	تراز پرداختها و تحلیل اقتصاد کلان باز
۳۲۷	حساب جاری
۳۲۸	الف) صادرات
۳۲۹	ب) واردات
۳۳۱	حساب سرمایه
۳۳۲	بازار ارز
۳۳۲	الف) عرضه ارز
۳۳۳	ب) تقاضای ارز
۳۳۴	نظام پولی بینالملل
۳۳۶	رژیم‌های ارزی
۳۳۶	الف) رژیم ارزی ثابت (میخکوب)
۳۳۶	ب) رژیم ارزی شناور آزاد
۳۳۷	ج) رژیم‌های ارزی بینابین
۳۳۷	د) رژیم ارزی دو یا چندنرخی
۳۳۷	ه) رژیم ارزی میخکوب خزنه
۳۳۸	و) رژیم ارزی شناور مدیریت شده
۳۳۸	○ خلاصه فصل پانزدهم
۳۴۲	○ سؤالات فصل پانزدهم
۳۴۳	○ ضمیمه: آشنایی با سازمان‌ها و نهادهای مالی و اقتصادی بینالمللی
۳۴۳	بانک جهانی
۳۴۴	صندوق بینالمللی پول
۳۴۴	سازمان تجارت جهانی
۳۴۵	منابع و مأخذ
۳۵۱	نمایه‌ها
۳۵۱	اشخاص
۳۵۳	موضوعات

---

بخش اول

## آشنایی با علم اقتصاد

---



## فصل اول

### علم اقتصاد و پیدایش آن

#### علم اقتصاد چیست؟

اقتصاد و پدیده‌های اقتصادی مانند مصرف، تولید، مبادله و... برای انسان‌ها امور شناخته‌شده‌ای هستند و بشر در هر زمانی و هر جامعه‌ای با این مسائل سروکار داشته است. هرچند نوع و ماهیت این پدیده‌ها و مسائل اقتصادی در همه جوامع یکسان نبوده و نیست؛ اما مسائل اقتصادی در همه جوامع و اعصار از وجه مشترک شناخته‌شده‌ای برخوردارند. این قرابت مسائل اقتصادی در زندگی اجتماعی انسان‌ها گاهی موجب برداشت‌های سطحی و غیر دقیق در مورد علم اقتصاد می‌شود. از این‌رو ممکن است برخی گمان کنند که علم اقتصاد رشته‌ای است که راه پولدار شدن یا تاجر موفق شدن را می‌آموزد یا توان پیش‌بینی نوسانات قیمت‌ها در بازار سهام را می‌دهد؛ هرچند این موضوعات کم و بیش در علم اقتصاد بررسی می‌شود؛ اما برای داشتن تصور دقیق از علم اقتصاد باید بینیم نظام اقتصادی چیست؟

احتمالاً بسیاری معتقدند که اقتصاد (نظام اقتصادی)، سیستمی برای تولید و توزیع کالاهای و خدمات مورد نیاز انسان‌ها است. البته این تلقی درست است؛ اما باید تصور دقیق‌تری از آن به دست آوریم. اگر در جامعه‌ای همه نیازمندی‌ها در هر لحظه به‌وفور در دسترس باشد، هیچ نیازی به مطالعات اقتصادی نیست. درواقع مسئله اقتصادی، در یک نظام اقتصادی که با کمیابی منابع رویه‌روست، تحقق می‌یابد.

اما معنای کمیابی چیست؟ کمیابی به این معنا است که آنچه افراد می‌خواهند بیشتر از مقادیر در دسترس است. این معنا از طرفی به خصیصه زیاده‌خواهی انسان اشاره دارد و لذا حتی میلیاردرها هم هنوز در پی خواسته‌های تازه‌ای هستند؛ از طرف دیگر به این واقعیت اشاره دارد

که همواره بین خواسته‌های بالفعل و منابع بالقوه فاصله‌ای وجود دارد؛ هرچند منابع موجود در طبیعت برای رفع نیازهای بشر کافی است. بنابراین کمیابی به این معنا است که همواره به اندازه‌ای که خواسته‌های همه افراد تأمین شود، در جامعه بالفعل وجود ندارد.

اما برای داشتن تصور کامل‌تری از نظام اقتصادی باید نکته دیگری نیز ملاحظه شود. منابع استفاده‌های متعدد و بدیلی دارد. مثلاً چوب می‌تواند در تولید گرما یا برای تولید درو پنجره یا برخی دیگر از لوازم منزل یا در ساخت خانه مورد استفاده قرار گیرد. حتی می‌تواند در ترکیب با مواد دیگر برای تولید سایر کالاهای کار رود. آب، نفت، آهن، زمین و سایر منابع نیز به همین صورت می‌تواند استفاده‌های بی‌شماری داشته باشد. یک سؤال مهم این است که چه مقدار از هر کدام از این منابع برای هر کدام از کاربردهای مختلف اختصاص یابد؟ هر نظام اقتصادی به شیوه‌ای، با کارامدی بیشتر یا کمتر به این مسئله پرداخته و آن را حل و فصل نموده است. حل و فصل کارامد این مسئله همان چیزی است که علم اقتصاد به دنبال آن است. شناسایی، طرح و تبیین راهها و روش‌های دقیق، منسجم، سازگار و مناسب برای بهره‌برداری بهینه و کارآ از منابع، رسالتی است که علم اقتصاد به عهده دارد. این راهها و روش‌ها در بستر زمان و در سایه شرایط متفاوت و مختلف شناسایی، طرح و به تدریج تغییر و تکامل یافته و این فرآیند موجب تحول و تکامل علم اقتصاد شده است.

برخی کشورهای فقیر منابع طبیعی سرشاری دارند ولی به خوبی از آن استفاده نمی‌کنند. در مقابل، برخی کشورهای مرفه و برخوردار مانند ژاپن، با وجود برخورداری از منابع طبیعی بسیار کم جزء کشورهای صنعتی هستند؛ بنابراین میزان برخورداری و رفاه جوامع تا حدود زیادی به این بستگی دارد که چقدر خوب از منابع استفاده کرده‌اند. به تعبیر علم اقتصاد برخورداری و رفاه جوامع به تخصیص کارآی منابع بستگی دارد.

برای اینکه مسئله اقتصادی بهتر درک شود و تصور روشنی از آن حاصل شود، به مثال فرضی زیر توجه کنید.

فرض کنید گروهی ورزشکار به اردوبی مسافرتی می‌روند. این گروه را یک پزشک و یک امدادگر با مقداری دارو و تجهیزات پزشکی همراهی می‌کنند. ورزشکاران با یک اتوبوس و کلیه خدمه از جمله پزشک و امدادگر با خودرو دیگری به دنبال اتوبوس حرکت می‌کنند. متأسفانه در بین راه اتوبوس دچار سانحه می‌شود و بسیاری از سرنشینان مجروح می‌شوند. بلا فاصله خودرو

خدمه می‌رسد. پس از خارج کردن سرنشینان متوجه می‌شوند که جراحت برخی افراد بسیار شدید است که حتی با اقدامات پزشکی خوب احتمال زنده ماندن آنان بسیار ضعیف است. برخی دیگر به شرط رسیدگی سریع زنده می‌مانند و بقیه افراد جراحات سطحی دارند. در اینجا با یک مسئله اقتصادی یعنی تخصیص بهینه منابع روبرو هستیم. یک پزشک، یک امدادگر و مقدار محدودی دارو، یک خودرو و تعدادی خدمه که می‌توانند به پزشک و امدادگر کمک کنند. اگر پزشک و امدادگر به کسانی پردازند که احتمال زنده ماندن آنان بسیار ضعیف است و داروهای محدود را نیز صرف آنان کنند، در این صورت مجروحان دسته دوم که به شرط رسیدگی سریع زنده می‌مانندن، جان خود را از دست می‌دهند. همچنین اگر این تیم وقت و امکانات خود را صرف مجروحان سطحی کند، مجروحان دسته دوم به خاطر استفاده غیربهینه از امکانات خواهند مُرد. این مثال فرضی در یک فضای غیر اقتصادی که اصلًاً بحث مبادله وجود ندارد، مسئله اقتصادی یعنی تخصیص بهینه منابع و اهمیت آن را نشان می‌دهد.

همه افراد در زندگی روزانه خود و همه جوامع با چنین مسائلی مواجه‌اند. همه آنان در این موارد تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند؛ اما برخی درست و بهینه و برخی غیربهینه. بخش زیادی از مباحث علم اقتصاد متکلف شناخت تخصیص بهینه منابع است. گذشته از این، شیوه‌ها و سازوکارهایی که جوامع برای تخصیص بهینه به کار می‌گیرند متفاوت است. این تفاوت‌ها، نظام‌های اقتصادی را از یکدیگر متمایز می‌کنند. شناخت این روش‌ها، سازوکارها و ارزیابی کارامدی آنها نیز از مباحث مهم علم اقتصاد است.

## تعريف علم اقتصاد

تعريف دقیق، جامع و مانع از علم اقتصاد مانند تعریف هر علم دیگری بسیار دشوار است و به طور معمول هر تعریفی ایرادی دارد که جامع یا مانع بودن آن را نقض می‌کند؛ به همین دلیل اگر به کتب اقتصادی مراجعه کنید تعاریف با یکدیگر تفاوت یا تفاوت‌هایی دارد. پیچیدگی موضوع، ماهیت تکاملی و گستردگی قلمرو این علم نیز ارائه تعریفی همه‌جانبه و ناظر به همه زوایای این رشته را دشوارتر می‌کند. اما حتی اگر یافتن تعریف جامع و مانع ممکن باشد، برای ما نه ضروری است و نه مطلوب. بلکه آنچه برای ما لازم است توصیفی از علم اقتصاد است که دانشجوی مبتدی را برای ورود به مباحث آماده کند.

بنابراین می‌توان گفت علم اقتصاد «مطالعه و بررسی نحوه استفاده بهینه انسان‌ها و جوامع از منابع کمیاب تولید و تجزیه و تحلیل آثار و نتایج آن است که انسان‌ها و جوامع در طول زمان برای تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات به کار می‌گیرند». درواقع علم اقتصاد می‌خواهد راه و روش‌های استفاده بهینه از منابع کمیاب و امکانات محدود را شناسایی کند و از این طریق به بهره‌مندی بیشتر و زندگی بهتر انسان‌ها کمک کند. بنابراین رفتارهای اقتصادی انسان‌ها مانند تولید، مصرف، پس‌انداز، مبادله و نقش آن، نحوه کار و عملکرد نهادها و سازمان‌های اقتصادی جوامع مانند بازارها (کالاها، خدمات، پول و ارز، سرمایه، نیروی کار...) و واسطه‌های مالی مانند بانک‌ها موضوعاتی هستند که در علم اقتصاد مطالعه و بررسی می‌شوند.

## هدف و اهمیت علم اقتصاد

نخستین پرسشی که ممکن است برای یک دانشجو یا هر شخص علاقه‌مند به مطالعه علم اقتصاد مطرح شود این است که چرا باید اقتصاد آموخت؟ این علم چه دردی از دردهای بشر را دوا می‌کند؟ و کدامیں گره از گره‌های ناگشوده بشر را می‌گشاید؟ آیا ارزش دارد که انسان بخشی از عمر بس ارزشمند خود را بر سر مطالعه این علم بگذارد؟ و به بیان ساده‌تر، هدف و اهمیت فرآگیری این علم چیست؟

توجه به مطالبی که در آغاز این فصل ذکر شد (به ویژه مثال فرضی) تا حدود زیادی اهمیت فرآگیری علم اقتصاد را نشان می‌دهد. با این حال ضرورت و اهمیت علم اقتصاد را می‌توان با ملاحظه رسالت اصلی و هدف غایی آن آشکار کرد.

رسالت اصلی و هدف غایی علم اقتصاد بهبود بخشیدن به شرایط زندگی روزمره انسان‌ها است. دانش اقتصاد به ما کمک می‌کند زندگی شخصی خود را بهتر اداره کنیم، جامعه‌مان را بهتر بشناسیم و درک کنیم و جهان پیرامون خود را بهتر بسازیم (ساموئلсон،<sup>۱</sup> ۱۹۹۲، ص. ۹).

فرآگیری علم اقتصاد هم برای اداره زندگی شخصی افراد ضرورت دارد و هم برای اداره زندگی عمومی. از این‌رو دولتمردان و حاکمان سیاسی نیز برای اداره بهتر اداره کنیم، اقتصاددانان نیازمندند. در ضرورت و اهمیت علم اقتصاد همین بس که به ادعای کیز اقتصاددان برجسته قرن بیستم:

---

1. Samuelson, Paul

اندیشه‌های اقتصاددانان و فیلسوفان، چه درست و چه نادرست، قدرتمندتر از آن است که معمولاً تصور می‌شود. درحقیقت کمتر چیز دیگری غیر از این اندیشه‌ها بر جهان حکومت می‌کند. مردان عمل که خود را از هر گونه تأثیربازیری از اندیشه‌های [دیگران] بدور و [بیناز] می‌پندازند درواقع بردگان [نظریه‌های] اقتصاددان... اند (کینز، ۱۹۳۶، ص. ۹).

به طور خلاصه، هدف علم اقتصاد تسلط بر اوضاع و احوال اقتصادی و به کترل درآوردن آن است تا شرایط زندگی انسان‌ها را بهبود و ارتقا بخشد. هرچند الگویی واحد و نسخه‌ای یکسان برای پیشرفت اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مردم در سراسر جهان وجود ندارد و پیشرفت، تکامل اقتصادی و گسترش رفاه متناسب با فرهنگ، سنت‌ها، آداب و رسوم هر جامعه باید شکل بگیرد؛ اما رسیدن به رشد و رفاه، دستیابی به توسعه و رهایی و آزادی از چنگ فقر و فلاکت و بیماری آرمان مشترک و آرزوی دیرینه تمام انسان‌هاست. علم اقتصاد راهکارها و ابزارهایی برای مبارزه با فقر، تحقق رشد و راهبردهایی برای نیل به توسعه پیش روی بشر می‌گذارد و به او در رسیدن به این آرمان‌های مشترک کمک می‌کند.

### قلمرو علم اقتصاد

علم اقتصاد به رغم آنکه در مقایسه با علوم دیگر رشته‌ای نسبتاً جوان است، پایه‌پایی فرازها و فرودها به عنوان بازتابی از روندها و فرآیندهای این دکرگونی‌ها و تحولات، مسیر تکامل و پیشرفت خیره‌کننده‌ای را پیموده است. این علم تا نیمه‌های قرن هجدهم خود بخشی از قلمرو دانش‌های کلی تری مانند فلسفه و اخلاق بوده است و حتی پس از آنکه با تلاش‌های دانشمندان، به عنوان رشته‌ای با هویت مستقل و برخوردار از ادبیات تخصصی و کلاس‌ها و دانشکده‌های اختصاصی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی جهان پذیرفته شد، مژهایش از مباحث کلی محدودی مانند تولید، تقسیم کار و... تجاوز نمی‌کرد. با گذشت زمان بر دامنه و گستره موضوعات و مسائل این علم افزوده شده است. گسترش قلمرو علم اقتصاد در دو جبهه صورت گرفته است. از یکسو موضوعات تازه‌ای مانند محیط‌زیست، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و... در قلمرو علم اقتصاد وارد شده است و از سوی دیگر علم اقتصاد از مژهای سنتی خود پا را فراتر گذاشته و به قلمرو سایر رشته‌های علوم انسانی وارد شده است. به گونه‌ای که برخی، این پیشروی را به عنوان امپریالیسم علم اقتصاد توصیف کرده‌اند (بن‌فاین، ۲۰۰۰).

در حال حاضر در جغرافیای دانش، علم اقتصاد به امپراطوری بزرگ و در حال گسترش بدل شده و قلمرو خود را تا گستره مسائل و موضوعات متعدد و متنوعی از فرهنگ، سیاست، هنر و دین گرفته تا محیط زیست، مطالعات حقوقی، روش‌های آماری و تاریخی و حتی زندگی خانوادگی بسط داده است. طرح و تحلیل مسائل دیگری مانند جرم و جنایت، ورزش، رسانه‌ها، بهداشت و سلامت و... از منظر و روش اقتصادی توسط اقتصاددانان گواه این گسترش‌ها است و بیانگر آن است که تعیین مرز و محدودیت برای علم اقتصاد تنها برای مدت کوتاه قابل توجیه است.

### شاخه‌های اصلی علم اقتصاد

در ابتدا تمامی مباحث اقتصادی به صورت یکجا تحت عنوان اقتصاد یا اقتصاد سیاسی مطالعه می‌شد. به تدریج که دامنه مباحث گسترش یافت، مباحث براساس قلمرو تفکیک شد. براین اساس اقتصاد به دو شاخه اصلی اقتصاد خرد و اقتصاد کلان تقسیم گردید.

بررسی و تحلیل رفتار واحدهای اقتصادی خرد مانند افراد، خانوارها، بنگاه‌ها به منظور درک نحوه تصمیم‌گیری آنان در بازارهای مختلف به اقتصاد خرد واگذار شد تحلیل و مطالعه رفتار و عملکرد عمومی و کلی اقتصاد مانند سرمایه‌گذاری کل، مصرف کل، اشتغال کل، سطح عمومی قیمت‌ها و... به شاخه دیگری به نام اقتصاد کلان سپرده شد. اقتصاد خرد چگونگی تصمیم‌گیری خانوارها را در مورد عرضه عوامل و منابع تولید و تقاضای کالاهای خدمات مورد نیازشان و نیز تصمیمات بنگاه‌ها (مانند شرکت‌ها، سوپرمارکت‌ها و حتی شرکت‌های بزرگی مانند شرکت‌های حمل و نقل ریلی، هوایی و...) را در مورد تقاضای عوامل و منابع تولید و عرضه کالاهای تولیدی آنها در بازارهای مختلف به عهده دارد. اقتصاد کلان پدیده‌های اقتصادی و تغییرات آنها را در سطح کشور بررسی می‌نماید. بنابراین مصرف و پس‌انداز کل، سرمایه‌گذاری کل، اشتغال و بیکاری در سطح ملی، سطح عمومی قیمت‌ها و تورم و تغییرات آنها از جمله مباحث اقتصاد کلان است.

پیدایش وسایل و گسترش امکانات جدید حمل و نقل و تولید انبوه، افق‌های تازه‌ای را در عرصه تجارت و مبادله کالاهای خدمات میان کشورها و ملت‌های جهان گشوده است. هرچند این موارد در دو شاخه پیش‌گفته مورد بررسی قرار می‌گرفت، اما با افزایش مبادلات و افزایش مسائل مربوط به آن تحلیل تئوریک و علمی داد و ستد های بین‌المللی و مسائل پیرامون آن شاخه دیگری را به نام اقتصاد بین‌الملل به وجود آورد. اقتصاد بین‌الملل خود به دو بخش عمده دیگر

یعنی تجارت بین‌الملل و مالیه بین‌الملل تقسیم می‌شود. مطالعه و بررسی جریان مبادله کالاها و خدمات (صادرات و واردات) بین کشورها و منافع آن برای کشورهای مبادله‌کننده در شاخه تجارت بین‌الملل صورت می‌گیرد. در مالیه بین‌الملل نیز چگونگی جریان سرمایه بین کشورها، مباحث مرتبه به بازار ارز و تراز پرداخت‌ها مطالعه می‌شود.

پول و مسائل آن به علاوه واسطه‌های مالی مانند بانک‌ها و مباحث در ارتباط با آنها در شاخه دیگر علم اقتصاد یعنی پول، بانکداری و بازارهای مالی بررسی می‌شود.

از دیگر شاخه‌های روبه‌گسترش و پرکاربرد علم اقتصاد، اقتصادسنجی است. اقتصادسنجی به تحلیل کمی پدیده‌های اقتصادی با استفاده از ریاضیات، روش‌های آزمون و استنباط آماری می‌پردازد. از آنجا که پیشرفت علم در گروآزمون نظریات آن علم است و به علاوه یافتن راه و روش‌هایی برای مواجهه با مشکلات اقتصادی مانند تورم، بیکاری و سیاستگذاری برای بهبود وضعیت اقتصادی جامعه از اهداف علم اقتصاد است و این مهم جز با داشتن اطلاعات دقیق کمی و پردازش آنها امکان‌پذیر نیست؛ لذا این شاخه از علم اقتصاد اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

خاستگاه آنچه تحت عنوان علم اقتصاد از قرن هجدهم به بعد تکوین یافت، به طور عمده جوامع مغرب زمین است. بنابراین بسیار طبیعی است که تئوری‌ها و تحلیل‌های این علم متناسب با شرایط و مقتضیات زمانی، مکانی و فرهنگی آن بلاد سامان یافته باشد. در دهه ۱۹۵۰ پس از جنگ جهانی دوم و رهایی بسیاری از کشورها از سلطه استعمار، توسعه و بهبود شرایط اقتصادی این کشورها که استعمار بیشتر منابع شان را به غارت برده و هرگونه مجال رشد و پیشرفت فکری و مادی را از آنها گرفته بود، به یکی از چالش‌ها و دغدغه‌های جدی اقتصاددانان بدل شد. پرسشی که آن روزها مطرح می‌شد این بود که آیا کشورهای توسعه‌نیافته می‌توانند با الهام‌گیری از الگوهای و تبعیت از تئوری‌ها و تحلیل‌های اقتصادی کشورهای پیشرفته راه دشوار و مسیر ناهموار توسعه را پشت‌سر گذاشته و خود را به کاروان پرشتاب رشد و رفاه مادی و توسعه اقتصادی برسانند؟ یا اینکه مسائل و معضلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه از جنس دیگری است؟ از دید بسیاری از اقتصاددانان و آگاهان امور، کشورهای عقب‌مانده دردهای دیگری داشتند و داروهای متفاوتی می‌طلبیدند. افزون بر این، آغاز جنگ سرد دو قدرت شرق و غرب برای جذب بیشتر کشورهای بی‌طرف و برخی رویدادهای مهم مانند بحران بزرگ ۱۹۳۰م و ناکامی نظریات کلاسیک و نوکلاسیک در پیشگیری و رفع بحران و موفقیت راهبردهای کینزی و سوسیالیستی در برخی از کشورها زمینه‌ساز ظهور شاخه مستقل دیگری به نام اقتصاد توسعه گردید.

تئوری‌های رشد و توسعه اقتصادی، توسعه انسانی و مباحث مرتبه با چگونگی ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی انسان‌ها و چگونگی دستیابی به رشد و توسعه پایدار در کشورها از موضوعات و مؤلفه‌های مهم اقتصاد توسعه است. در کنار این چند شاخه اصلی علم اقتصاد شاخه‌های دیگری نیز مانند اقتصاد کشاورزی، اقتصاد انرژی، اقتصاد کار، اقتصاد منابع، اقتصاد بهداشت، اقتصاد دفاع، اقتصاد هنر و جدیدتر از همه اقتصاد اطلاعات از بدن تناور علم اقتصاد سر برآورده است و هر کدام به حوزه مستقل و موضوعی مجزا اما در پیوند با قلمرو پهناور این رشته ارزشمند برای پژوهندگان و پویندگان بدل شده است. با توجه به همین گستردگی است که امروزه در بسیاری از دانشگاه‌های جهان گرایش‌های مختلف علوم اقتصادی مانند اقتصاد نظری، اقتصاد بازرگانی، اقتصاد پول و بانکداری، اقتصاد بین‌الملل، اقتصاد توسعه و... به عنوان گرایش‌های تخصصی تدریس می‌شود.

### مروری بر پیدایش علم اقتصاد

اقتصاد به عنوان یک علم اجتماعی به مطالعه مسائل و اموری مانند تولید، مصرف، توزیع، مبادله و... می‌پردازد. تصمیم‌گیری در مورد این مسائل همواره بخشنی از دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های بشر بوده است. بنابراین پدیده‌های اقتصادی مانند تولید، مبادله و توزیع همواره مورد مطالعه و بررسی اندیشمندان جوامع در اعصار گوناگون بوده است. حتی در اندیشه‌های فیلسوفان یونان باستان نیز این مباحث قابل پیگیری و روایابی است. در این اندیشه‌ورزی‌ها مسائل اقتصادی به‌طور معمول از جنبه حقوقی و اخلاقی بررسی شده است. به عنوان مثال مسائل مربوط به مالیات، مبادله و قیمت در میان فیلسوفان یونان باستان مورد بحث قرار گرفته است؛ اما اغلب مسائل از جنبه حقوقی و ارزشی تجزیه و تحلیل شده است. بنابراین، تبیین حقوق متقابل طرفین مبادله، حقوق متقابل دولت و مردم در مورد مالیات، عادلانه بودن مالیات، عادلانه بودن قیمت و مانند اینها وجهه همت اندیشمندان بوده است. البته اندک‌شماری از موضوعات را می‌توان یافت که با رویکرد عینی پدیده‌ها را چنان که هست مورد مطالعه و بررسی قرار داده باشد. اما این رویکرد، اندک و بلکه نادر بوده است. ولی بعدها جهت‌گیری مطالعات تغییر کرد؛ به‌طوری که رویکرد عینی در مطالعات جنبه غالبی یافت. این تغییر جهت سرآغاز پیدایش علم اقتصاد به عنوان علمی تجربی و اجتماعی است.

### پیشینه اندیشه‌ها و تحلیل‌های اقتصادی

نخستین اندیشه‌ها و آرای پراکنده‌ای که امروز از آنها به عنوان عقاید و اندیشه‌های اقتصادی یاد می‌شود در میراث علمی و فکری بر جای مانده از متفکران یونان باستان به چشم می‌خورد. افلاطون و ارسطو ضمن بحث از مسائل فلسفی و سیاسی به مسائل اقتصادی نیز توجه کرده‌اند. افلاطون به مسائل اقتصادی از دریچه اخلاق می‌نگریست. دلستگی به پول و ثروت را نکوهش، رباخواری را تقبیح و مردم را به کسب فضیلت و تقوا ترغیب می‌کرد. ارسطو شاگرد افلاطون نیز درباره مسائلی مانند مالکیت، ارزش مبادله و ارزش استعمال، ماهیت پول و ربح سخن گفته است. ارسطو از اقتصاد پولی انتقاد می‌کرد؛ اقتصاد طبیعی را می‌ستود؛ با رباخواری مخالفت می‌کرد. تجارت را کاری بی‌حاصل و فعالیتی غیر مولد می‌دانست.

پس از انقراض دوران درخشان علمی یونانیان، در اروپا دوره تسلط، تحکیم و گسترش امپراطوری رم فرارسید. مهم‌ترین و شاید یگانه ره‌آورده تمدن رومیان قدیم در زمینه تدوین قوانین و دستورات حقوقی مانند اصول مالکیت و آزادی قراردادها بود که قرن‌ها بعد شالوده نظام‌های حقوقی و اساس سرمایه‌داری غربی قرار گرفت.

با آغاز قرون وسطی از سقوط رم تا رنسانس، غرب در دوره‌ای هزارساله (از قرن پنجم تا پانزدهم) در انحطاط و رکود فرورفت. فقر فکری، ضعف اندیشه، فقدان نوآوری و خلاقیت و استیلای سایه سهمگین جزم اندیشی و جمود بر اذهان و افکار، کج فهمی از شاخصه‌ها و شناسه‌های مهم این دوره‌اند. اندیشه بی‌نیازی و بی‌اعتنایی به مادیات رونق خاصی داشت. علاوه‌ای برای مطالعه چگونگی و چرایی سازوکارها و فرآیند پدیده‌های اقتصادی وجود نداشت. شاخص‌ترین فردی که در قرون وسطی در زمینه مسائل و عقاید اقتصادی اظهار نظر کرده است «سن توماس اکویناس» بود. او بهتر از هر کس دیگری اخلاق اقتصادی ایده‌آل عصر خود را بیان کرده است. بدون بحث از چگونگی و چرایی مکانیسم و رفتار قیمت‌ها از عادلانه یا ناعادلانه بودن قیمت‌ها، مزدها، محکومیت رباخواری و ریشه مالکیت سخن گفته است.

### ظهور اسلام

در زمانی که اروپا در سرشاری سقوط قرار گرفته و در باتلاق انحطاط دست و پا می‌زد، در این سوی کره زمین، تاریخ آبستان رویداد شگرف و شکوهمندی بود. سرانجام این رویداد شگرف در قرن هفتم میلادی اتفاق افتاد. حاصل این اتفاق تولد نظام جامع و جاویدانی بنام اسلام بود که با

پیشرفت چشمگیر و بی نظیر در هیئت تمدنی باور و بالنده در زمانی کوتاه قلمرو نفوذ و اقتدارش را تا مرزهای چین و بخش‌هایی از هند و اسپانیا و شمال آفریقا گسترش داد. از قرن ششم تا آغاز رنسانس سکان سیاست و رهبری جهان از هر لحظه، از قدرت نظامی و سازمان‌دهی سیاسی گرفته تا اصلاحات اجتماعی، ادبیات، علوم و فنون، طب و فلسفه در دست مسلمانان بود.

مسلمانان در مقایسه با سایر مردمان از رفاه و رونق مادی و سطح زندگی برتری برخوردار بودند. تعالیم و رهنمودهای رستگاری بخش و انسان‌ساز اسلام، نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان را دگرگون کرد. اسلام برخلاف مسیحیت تحریف شده قرون وسطایی، به کار و کوشش ارج و احترام نهاد. تلاش و کوشش برای میثاق آبرومندانه دنیوی را به عنوان پلکانی برای صعود به سعادت اخروی معرفی کرد. چارچوب‌ها و معیارهایی برای بهره‌برداری از منابع طبیعی و توزیع موهاب، مرزا و محدودیت‌های مالکیت، رسالت و مسئولیت‌های دولت و حکومت در اقتصاد و... را تبیین کرد. شرح رهآوردها و خدمات دین اسلام در زمینه جوامع انسانی نیازمند مطالعه مفصل و مجزایی است.

عصر طلایی حیات فکری تمدن اسلامی و امداد تلاش و کوشش دانشمندانی چون فارابی، رازی، ابن مسکویه، ابن رشد، ابن حزم، شیخ طوسی، ابن سینا، جلال الدین دوانی، ابن خلدون و... است که با الهام از آموزه‌های آسمانی اسلام و استفاده از فرصت‌هایی که جامعه اسلامی فراهم آورده بود، میراث فکری و علمی بس عظیم و گران‌سنگی در بیشتر عرصه‌ها و زمینه‌های علوم و معارف از جمله اقتصاد از خود به یادگار گذاشتند. جلوه‌ای از درخشش و شکوه علمی تمدن پُربار اسلامی را در آثار ابن خلدون، حکیم، متفکر، مورخ، جامعه‌شناس و اقتصاددان مسلمان و بهویژه در کتاب مقدمه ابن خلدون می‌توان مشاهده کرد. ابن خلدون درباره بسیاری از موضوعات و مسائل اقتصادی از جمله درباره تقسیم کار، اثر عرضه و تقاضا بر قیمت، نقش و اهمیت کار در توسعه اقتصادی، تخصیص بهینه منابع، انباشت و توزیع ثروت، نقش و دخالت دولت در اقتصاد و به اعتقاد برخی اقتصاددانان حتی درباره نظریه مقداری پول (قدیری اصلی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۵) و سرمایه اجتماعی (چپرا، ۱۳۸۳) اظهار نظر کرده است.

افرون بر این بنایه‌های برخی دیگر از مفاهیم و نظریات مهم اقتصادی که بعدها اقتصاددانانی مانند مالتوس، مارشال، هیکس و فرانکنایت افتخار طرح و کشف آنها را به نام خود ثبت کردند در نظریه‌ها و تحلیل‌های ابن خلدون دیده می‌شود (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۰، ص ۳۳-۳۵). علی‌رغم تحقیقات عمیق ابن خلدون در قلمرو علم اقتصاد، آدام اسمیت به عنوان

پدر علم اقتصاد معرفی می‌شود؛ در حالی که اثر آدام اسمیت ۳۷۰ سال بعد از وفات ابن خلدون انتشار یافته است. به طور معمول مورخان اقتصادی از این اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها، تا ظهور مکتب مرکانتیلیسم در قرن شانزدهم به عنوان نظرها و تحلیل‌های اقتصادی پراکنده یاد می‌کنند. غفلت ناگاهانه یا چشم‌پوشی عامدانه بسیاری از مورخان غربی علم اقتصاد از تحلیل‌های اقتصادی ابن خلدون مانع از آن نمی‌شود که پیشگامی او در نظریه پردازی اقتصادی نادیده انگاشته شود. در حقیقت اندیشه‌های اقتصادی ابن خلدون می‌تواند به عنوان سرآغاز علم اقتصاد تلقی شود.

### ظهور مکاتب اقتصادی پس از رنسانس

با آغاز دوران روشنگری در مغرب زمین به تدریج اندیشه‌های اقتصادی مددون و کم و بیش منسجمی ارائه می‌شود. مکتب مرکانتیلیسم، مکتب فیزیوکراسی و مکتب کلاسیک که در طی قرون شانزدهم تا پایان قرن هجدهم پا به عرصه ظهور می‌نهد حاصل این اندیشه‌ها است.

#### الف) مکتب مرکانتیلیسم

از حدود قرن پانزدهم میلادی، در اروپا، پس از هزار سال انحطاط و عقب‌ماندگی، جنبش‌های ادبی، هنری و فلسفی جان گرفت و گرایش‌ها برای بازگشت به هنر و فلسفه یونان باستان اوج گرفت. اروپاییان این دوره را دوره احیا، شکوفایی، مجد و عظمت علمی از دست رفته غرب یا رنسانس (به معنای نوایی علمی) می‌نامیدند. عصر رنسانس عصر رواج و رونق اندیشه‌های نوآورانه بود.

اختراع ماشین روزنه‌ای تازه در افق گسترش و توسعه علوم گشوده بود. با کشف قاره آمریکا و دسترسی اروپاییان به هندوستان از طریق آفریقا زمینه‌های بیشتری برای گسترش مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی فراهم آمده بود. حفظ و افزایش قدرت علمی و طمع برای تسخیر سرزمین‌های بیشتر انگیزه ملی‌گرایی را در کشورها برانگیخت و آنان را به اتخاذ سیاست‌های اقتصادی ملی‌گرایانه ترغیب کرد. مهم‌ترین ابزار برای پیشبرد این سیاست‌ها برخورداری بیشتر از طلا و سایر فلزات گران‌بها دانسته می‌شد. بنابراین گردآوری هرچه بیشتر طلا و فلزات گران‌بها در صدر سیاست‌های اقتصادی و تجاری قرار گرفت. اندیشه مدافعت و مروج این سیاست، مرکانتیلیسم یا مکتب سوداگری نام گرفت. مرکانتیلیست‌ها به بازرگانی به عنوان منبعی مهم برای رسیدن به اهداف فوق می‌نگریستند و می‌کوشیدند طبقه تاجر را در جمع آوری هرچه بیشتر ثروت و مکنت یاری رسانند.

این مکتب از قرن شانزدهم تا اواسط قرن هجدهم شالوده سیاست‌های اقتصادی را در اروپای غربی تشکیل می‌داد. کشورهای اسپانیا، پرتغال، انگلیس، هلند و فرانسه هر کدام به نوعی تحت تأثیر و نفوذ این مکتب قرار گرفتند و سعی داشتند سیاست‌های اقتصادی خود را با آموزه‌های آن هماهنگ نمایند. علی‌رغم این سیطره طولانی و گسترده، سهم این مکتب در اندیشه‌های اقتصادی بسیار ناچیز است. درواقع، میراث این مکتب برای اندیشه اقتصادی به ارایه محدود توصیه‌های سیاستی و طرح تدبیر اقتصادی محدود است. توصیه‌های مداخله‌جویانه و محدود‌کننده سوداگرایان (که ثروتمند شدن جامعه را مستلزم انباشت هرچه بیشتر طلا و نقره در کشور می‌دانست و دولت را به محدود کردن واردات و گسترش صادرات موظف می‌کرد) واکنش‌هایی را برانگیخت که برجسته‌ترین این واکنش‌ها در چهره مکتب فیزیوکراسی پدیدار شد.

### ب) مکتب فیزیوکراسی

مکتب فیزیوکراسی که در اوایل نیمه دوم قرن هجدهم میلادی ظهرور کرد در عمری کمتر از دو دهه آثار فکری به مراتب بزرگتر از مکتب سوداگری از خود بر جای گذاشت. بنیانگذار این مکتب طبیبی بود به نام «فرانسوا کنه» که با ابداع نموداری به عنوان جدول (یا تابلوی) اقتصادی نخستین تصویر از گردش درآمد در جامعه را به نمایش گذاشت. ارزش و منزلت این ابداع را که بعدها (در قرن بیستم) تحلیل چرخه اقتصادی و حسابداری ملی و تحلیل جدول داده و ستانده با الهام از آن بسط و توسعه یافت، همسنگ «ابداع خط و پول» توسط فکر انسانی دانسته‌اند (ریمون بار، ۱۳۶۷، ص. ۵۰).

به اعتقاد فیزیوکرات‌ها رشد اقتصادی از تولید کشاورزی سرچشمه می‌گیرد، در بین مردم جریان می‌یابد و دست به دست می‌گردد و مثل خون در بدن اجتماع حرکت و گردش می‌کند. عنصر اساسی اندیشه فیزیوکرات‌ها را اعتقاد به «وجود و حاکمیت نظم طبیعی» در بر همه موجودات و پدیده‌ها از جمله امور اجتماعی تشکیل می‌دهد.

در نظام طبیعی مورد نظر فیزیوکرات‌ها نظام اجتماعی و جامعه همسان با جهان طبیعت پنداشته می‌شود. حامیان این دیدگاه معتقدند همان‌گونه که طبیعت از سازوکار نظم خودکار برخوردار است و در آن «ایر و باد و مه و خورشید و فلک» دست در دست هم، در تعامل و داد و ستد با همدیگر قرار دارند و به همدیگر وابسته‌اند، نظام‌های اجتماعی و جوامع انسانی نیز از نظم

معین و مشخصی پیروی می‌کنند. بنابراین رسالت انسان شناخت سازوکار آن نظم خودکار و طبیعی موجود در جامعه است.

این مکتب، به رغم آنکه از لحاظ سیاست عملی آثار کمتری داشت، دستاوردهای شگرف و گران‌سنگی را برای اندیشه‌ها و نظریه‌های اقتصادی به ارمغان آورد و به مثابه منبع الهام‌بخش، زمینه‌های ظهور نخستین تئوری مدون و منسجم اقتصادی در قالب مکتب کلاسیک را فراهم ساخت.

### ج) مکتب کلاسیک

ظهور مکتب کلاسیک به طور معمول به انتشار کتاب پژوهشی درباره ماهیت و علل ثروت ممل<sup>۱</sup> اثر معروف و دوران‌ساز آدام اسمیت، مدرس فلسفه اخلاق در دانشگاه گلاسکوی اسکاتلند، در سال ۱۷۷۶ متنسب می‌شود. این کتاب تلاش‌ها و کوشش‌های بشر در امور معیشتی، کار و تولید را به صورتی نسبتاً منسجم مورد بحث و تحلیل قرار داد و درواقع برای نظام سرمایه‌داری آزاد توجیه، تبیین، تحلیل و تفسیر فلسفی ارائه داد و به یکی از استوانه‌های بزرگ فکری تمدن غرب بدل شد. با این حال این مکتب از تحولات و تفکرات عصر روشنگری، لیبرالیسم کلاسیک، مراحل اولیه انقلاب صنعتی و بهویژه آموزه‌های فیزیوکرات‌ها تأثیر پذیرفته است. مکتب کلاسیک با آدام اسمیت آغاز می‌شود، با «مالتوس» و «دیوید ریکاردو» ادامه می‌یابد و با انتشار کتاب «جان استوارت میل» به نام «اصول اقتصاد سیاسی» در سال ۱۸۴۸ به کمال می‌رسد.

اسمیت از نظام آزادی طبیعی طرفداری می‌کرد. معتقد بود سازوکاری در اقتصاد حاکم است که به طور خودکار منافع عمومی و رفاه کلی جامعه را تأمین می‌کند. او از این سازوکار خودکار به عنوان «دست نامه‌ئی»<sup>۲</sup> یاد می‌کرد. به همین دلیل از ایده و شعارهای آزادی عمل<sup>۳</sup> و آزادی عبور<sup>۴</sup> که نخست فیزیوکرات‌ها آن را باب کرده بودند دفاع می‌کرد.

دید اسمیت به آینده نظام آزاد دید خوش‌بینانه بود و دورنمای اقتصادی آن را مثبت می‌دید. اخلاف اسمیت، مالتوس و ریکاردو، در خوش‌بینی اسمیت نسبت به چشم‌انداز رشد و رفاه اقتصادی نظام آزاد همراه نبودند. مالتوس در نظریه معروف جمعیتی خود مدعی شده بود که رشد

1. Smith, Adam (1776), *An Inquiry into the Nature and the Causes of the Wealth of Nations* (New York: The Modern Library, 1937). 2. invisible hand

3. laissez faire 4. laissez passer

جمعیت جهان بر رشد تولیدات و محصولات غذایی جهان پیشی خواهد گرفت و درنتیجه ازدهای گرسنگی و قحطی بخشی از جمعیت بشر را در کام خود فرو خواهد بلعید. «ریکاردو» نیز معتقد بود رشد اقتصادی به رکود می‌انجامد، زیرا رشد اقتصادی تولید و درآمد را بالا می‌برد و درنتیجه تقاضا برای محصولات کشاورزی افزایش می‌یابد. با توجه به محدود بودن زمین‌های مرغوب، پاسخگویی به افزایش تقاضا مستلزم استفاده از زمین‌های نامرغوب است. استفاده از این زمین‌ها نرخ سود را کاهش می‌دهد و به تدریج تمرکز سرمایه متوقف و دوره رکود آغاز می‌شود.

جان استوارت میل کوشید با تلفیق نظریات اسمیت، ریکاردو و مالتوس امیدها و خوبی‌های اسمیت و دیگر کلاسیک‌های خوش‌بین را نسبت به دورنمای رفاه و رشد اقتصادی جهان احیا کرد و حیثیت ازدست‌رفته علم اقتصاد را که درنتیجه پیشگویی‌ها و بدینی‌های ریکاردو و مالتوس از سوی توماس کارلایل لقب «علم شوم» گرفته بود (هیلبرونر، ۱۹۶۷، ص ۷۱)، بازگرداند.

به رغم اختلاف نظرهای فوق میان اقتصاددانان کلاسیک بر سر چشم‌انداز رشد و رفاه اقتصادی، چیزی که همه آنها را در یک سنگر و در صف بنیانگذاران و نظریه‌پردازان مکتب کلاسیک قرار می‌دهد، اعتقاد و باورمندی همه آنها به چند اصل اساسی زیر است که مقدمات بنیادین نظریه کلاسیک‌ها را تشکیل می‌دهد:

۱. تأکید بر مالکیت خصوصی؛

۲. اعتقاد به آزادی عمل اقتصادی و رقابت به عنوان انگیزه‌ای برای تحقق و بهبود رفاه ملی و رشد اقتصادی؛

۳. تأکید بر حداقل دخالت دولت در امور اقتصادی؛

۴. طرفداری از نظام آزادی طبیعی به عنوان سامان بخش خودکار بازار و تضمین کننده منافع عمومی جامعه از رهگذری جویی منافع شخصی افراد.

از اوائل قرن نوزدهم واکنش‌های متعددی در مقابل آموزه‌های مکتب کلاسیک ظهر کرد. این رویکردهای مخالف هر کدام به دلایلی مکتب کلاسیک را مورد انتقاد قرار می‌دادند، اما مخالفت با لیبرالیسم اقتصادی بی‌حد و حصر و بازارگرایی مفترط نقطه مشترک همه انتقادات بود. لذا در تمامی انتقادات نوعی نگرش مداخله‌گرایانه به چشم می‌خورد. برخی بر حمایت دولت از صنایع داخلی در مقابل رقابت خارجی تأکید داشتند و نوعی حمایت‌گرایی را ترویج می‌کردند. عده‌ای دیگر با انتقاد از عدم نظارت دولت بر روابط میان کارگران و کارفرمایان خواهان دخالت دولت